

گفت و گو با سید عطاء الله مهاجرانی
درباره کتاب داستان انسان
و کتاب های دیگرش

انسان های الهام بخش برای تمام زندگی

هر انسانی یک جهان - کتاب
است! کافکا به گوستاو یانوش
گفته است: «درباره یک روز زندگی
می توان کتاب های زیادی نوشت
اما از کتاب ها زندگی نمی جوشد.»
من هم اهل کتابم و هم اهل
زندگی و معاشرت با مردم



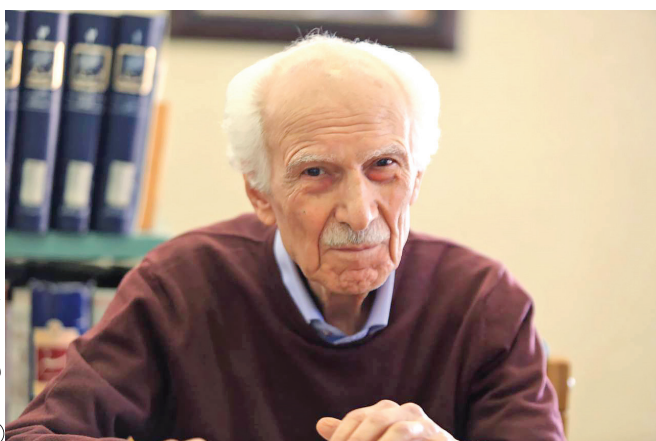


پنج قرن لنگرگاه شرق

محمد حسن سمسار از کتاب **جغرافیای تاریخی سیراف** می‌گوید که پس از ۴۷ سال بازنشر شده است



© حمیدرضا محمدی | روزنامه نگار



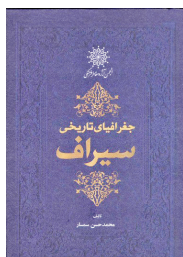
عکس: سهام‌الدین بوقاتی / ایران

در پنج قرن پس از اسلام، بزرگ‌ترین بندر شرق بود و متناظرش، هنگ کنگ بود. جایگاهی که امروز دبی پیدا کرده است. از نظر تاریخی برایم قابل توجه بود چون علاوه بر باستان‌شناسی، تاریخ هم خوانده بودم و همان قدر که به باستان‌شناسی علاقه داشتم به تاریخ هم مشتاق بودم و البته جغرافیای تاریخی بیش‌تر مورد نظر بود. علتش کاوش‌های در حال انجام بود. هر ماه یک گزارش از سوی هیأت انگلیسی داده می‌شد و به دست من هم می‌رسید. در اداره کل باستان‌شناسی کسی که گزارش را دریافت می‌کرد از دوستان دوره کارشناسی من به نام آندرانیک هویان بود و چون علاقه مرا به این موضوع می‌دانست به‌ویژه که آنجا تعداد زیادی سنگ قبر با خطوط همان دوره پیدا شده بود و برایم که روی خطوط دوره اسلامی خوش‌نویسی کار می‌کردم خیلی جالب بود، کپی گزارش‌ها را می‌فرستاد. مجموعه این گزارش‌ها و مجموعه کتب تاریخی و جغرافیایی این فکر را در من ایجاد کرد که چگونه ممکن است در یک دوره ۵۰۰ ساله یک بندر تبدیل به بزرگ‌ترین لنگرگاه شرق جهان شود و بعد از میان برود. حاصلش همین کتاب شد. در همین‌اثناء، در سال ۱۳۵۲، یکی از دوستان باستان‌شناسم به نام غلام‌رضا معصومی که در آن دوره با آن هیأت کار می‌کرد، کتابی با عنوان «سیراف» در انجمن آثار ملی چاپ کرد. به همین خاطر به محمدتقی مصطفوی که پیشنهاد کتاب را داده بود، گفتم چون آن را چاپ کردید اکنون حاضر به انتشارش نیستم. کتاب حاضر بود، اما چهار سال صبر کردم و وقتی در حدود نیمه‌های سال ۱۳۵۷ منتشر شد معلوم شد فرق‌شان در چه بود. کتاب محتوایی داشت که می‌توانست برایم سابقه به‌عنوان مؤلف محقق را فراهم کند که هم تحلیلی، تاریخی بود و هم نظرات خودم. هرچند متأسفانه چون در آن روزهای پراشوب نشر یافت، چندان دیده نشد. «او درباره سفرش به سیراف گفت: «پس از اتمام حفاری سفر کردم تا

تمام عمرش یا در موزه‌ها و به موزه‌داری گذشته یا مشغول مذاقه در تاریخ هنر ایران بوده است. عشق او به مام وطن تمامی ندارد. حتی با اینکه سیزدهم مهر سال گذشته، نودمین آفتاب زندگی‌اش طلوع کرد اما دست‌بردار نیست و خستگی نمی‌شناسد. هرچا نامی از فرهنگ این سرزمین باشد، عصازنان خود را می‌رساند. اگرچه چشمانش دیگر یارای عهد شباب را ندارد اما با همان ذره‌بین هم می‌کوشد و می‌جوید و می‌پوید. هنوز هفته‌ای یک‌روز در جایگاه مشاور عالی بخش هنر به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی می‌رود و بیش از آن، سرگرم واکاوی آلبوم‌خانه کاخ گلستان است. اما بهانه این گفت‌وگو، تجدید انتشار کتاب «جغرافیای تاریخی سیراف» پس از ۴۷ سال است. اثری که در اواسط سال ۵۷ و ماه‌های منتهی به انقلاب، از سوی انجمن آثار ملی به طبع رسید اما به سبب حال و هوای آن برهه، چندان دیده نشد تا آن‌که در اواخر سال گذشته، به‌همت کیانوش کیانی هفت‌لنگ و از جانب انجمن آثار و مفاخر فرهنگی دوباره منتشر و بعد از ظهر شنبه، ۲۰ اردیبهشت، در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد. با محمد حسن سمسار درباره این کتاب، بندر سیراف و اهمیت آن گفت‌وگو کردم. سمسار درباره اینکه چرا به‌عنوان موزه‌دار سراغ تاریخ رفته و چرا سیراف؟ می‌گوید: «در برهه‌ای که مشغول کار مدیریت موزه بودم و علاوه بر مسئولیت اداره موزه هنرهای تزئینی در کار تأسیس موزه‌های جدید هم مشغولیت فکری داشتم، چون تنها کسی بودم که تجربه ایجاد موزه در دوره جدید موزه‌داری داشتم، تمام کاوش‌های باستان‌شناسی و موضوعات مربوط به موزه و باستان‌شناسی و حاصل گزارش‌های باستان‌شناسان را می‌خواندم. در همین دوره از سوی مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا یک هیأت انگلیسی زیر نظر دیوید وایت‌هاوس (David Whitehouse) طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲ آمد و در سیراف، شش فصل کاوش و پژوهش کرد. سیراف

آن چه را که نوشته بودم به چشم ببینم. یک روز تمام، صرف بررسی و بازدید نتایج حفاری‌ها شد. چون می‌خواستم مطمئن شوم برداشت‌هایم نسبت به آن چه در گزارش‌ها خوانده‌ام یا استخراج کرده‌ام، درست و مطابق است.»

سمسار درباره دلیل افول و انحلال سیراف هم می‌گوید: «در کتابم نوشتم سیراف آغاز قرن ششم سقوط کرد. هیچ‌کس



هرچا نامی از فرهنگ این سرزمین باشد، عصازنان خود را می‌رساند. اگرچه چشمانش دیگر یارای عهد شباب را ندارد اما با همان ذره‌بین هم می‌کوشد و می‌جوید و می‌پوید. هنوز هفته‌ای یک‌روز در جایگاه مشاور عالی بخش هنر به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی می‌رود و بیش از آن، سرگرم واکاوی آلبوم‌خانه کاخ گلستان است

علت قطعی‌اش را ننوشته اما بعضی عللی را گفته‌اند. من در کتابم گمان کرده‌ام که زلزله نابودش کرده است. وقتی رستم سیراف هنوز شهر نشده بود و کنار ساحل می‌شد بندرگاه قدیم را زیر آب دید. یعنی زلزله با سونامی همراه شد و شهر را منهدم کرد. وقتی رستم ساکن چندان‌ی نداشت و تقریباً متروکه بود و همه به بندر طاهری رفته بودند. البته عوامل دیگری مثل رقابت بندر کیش با سیراف هم در میان بود که سبب افولش شده بود. چون کشتی‌ها برای رسیدن به سیراف باید ابتدا در کیش لنگر می‌انداختند طایفه بنی‌قصر هم که بر آنجا حکومت می‌کردند مانع آمدن کشتی‌ها به سیراف می‌شدند. زیرا سیراف مرکز ارتباط جنوب ایران با آسیا و حتی اروپا بود. تجار ایرانی در سیراف فعالیت و بزرگانی در آن زیست می‌کردند. سیراف شاید تنها شهر در ایران و جهان باشد که بافت گسسته دارد. یعنی خانه‌ها مستقل هستند و چهارسوی‌شان باز است و هیچ خانه به‌هم‌پیوسته‌ای ندارد و این ثروت را نشان می‌دهد.» محمد حسن سمسار پایان درباره چاپ جدید کتاب «جغرافیای تاریخی سیراف» و اینکه چه وجوه ممیزه‌ای بر انتشار اول آن دارد، می‌گوید: «در ویراست جدید، تلاش کرده‌ام با افزودن اسناد تازه، اصلاح برخی داده‌ها و تکمیل منابع، تصویر دقیق‌تری از نقش سیراف در تاریخ جغرافیایی ایران ارائه دهم. این کتاب، دعوتی است به تأمل دوباره در باب پیوستگی تاریخی ایران با آب‌های آزاد و اثباتی بر هویت پایدار و تمدن‌ساز ملت ایران.»



tejaratbank
tejaratbank.ir
۱۵۵۴

کشت نو؛ تضمین کشت تو

طرح کشت نو بانک تجارت به منظور مدیریت پرداخت‌های مدت‌دار خریداران عمده به فروشندگان فعال، در حوزه کشت و زرع، دام و طیور، شیلات و آبریان و همچنین صنایع تبدیلی مربوطه، طراحی و پیاده‌سازی شد. کارت کشت نو براساس نوع محصول و حوزه فعالیت در اختیار خریداران و فروشندگان محصولات قرار گرفته و بانک تجارت در شرایطی که مدل تسویه خریدار و فروشنده به صورت اعتباری باشد، به عنوان طرف سوم تعهد خریدار را تضمین می‌کند. در این طرح بانک تجارت درصدی از مبلغ فروش اعتباری و مدت‌دار کشاورزان و دامداران، صیادان را در قالب تسهیلات به ایشان پرداخت می‌نماید. همچنین مدت تعهد ایجاد می‌شود از سوی خریداران به نفع فروشندگان محصولات از ۱ ماه تا ۶ ماه امکان پذیر است.

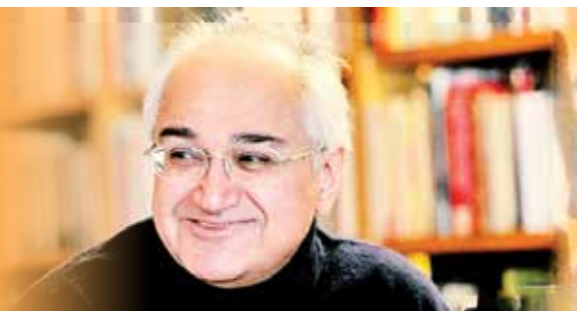


بانک تجارت



روشنفکر جستارنویس

۱۰ مقاله و ۶ جستار از بابک احمدی در نوشته‌های دیگر



بیژن مومیوند | دبیر «ایران کتاب»

● صمیمیت جستار

احمدی می‌گوید جستارنویسی گونه محبوب او برای نوشتن است و در ابتدای بخش دوم «نوشته‌های دیگر» می‌نویسد: «جستار از نظر من تا همین اواخر معنای مستقل و تازه‌ای نداشت. گاه آن را مترادف مقاله به‌کار می‌بردیم، چنان‌که در کتاب «آواز زمین» هر مقاله مستقل را چنین نامیدیم و عنوان دوم کتاب را هم «هشت جستار در تاریخ موسیقی» گذاشتم. کتاب دیگر «رساله تاریخ» را یک‌جا جستاری درباره فلسفه تاریخ خواندم. از سوی دیگر، در کتاب «کار روشن‌فکری» پاره‌های مختلف متن را که با شماره‌گذاری از هم جدا شده بودند، جستار نامیدیم.» و در ادامه می‌نویسد: «جستار به معنای جدید و امروزی متنی است گاه کوتاه، گاه بلندتر که لحن شخصی دارد و بیشتر خبر از تجربه‌ها، دانسته‌ها و باورهای نویسنده می‌دهد. در بیشتر جستارها نویسنده، دنیای ذهنی‌اش، سلیقه، محتوا و شیوه اندیشه‌هایش حضور دارند.» احمدی یکی از وجوه تفاوت «جستار» و «مقاله» را جنبه «علمی» مقاله و جنبه «ادبی» جستار می‌داند و می‌نویسد: «در نوشتن جستار روش نگارش عینی و علمی مطالب که کاربردش در مقاله‌نویسی ضروری است، کنار گذاشته می‌شود. جستار دستور کار ندارد، همان‌طور که ویژگی آن باخبری از دیدگاه نویسنده و داوری‌ها، عقاید و احساسات اوست، سبک و روشی هم که او می‌پسندد ارائه و گاه ابداع می‌شود... جستار نفی نظام و هم شکلی است، همان‌طور که نتیجه‌گیری نمی‌کند از هیچ نظریه قطعی انگاشته‌ای نیز آغاز نمی‌کند. جستار به متن‌های ادبی شبیه است که الگوی واحد و دستور از پیش متعینی ندارند. هر جستار وابسته به تجربه‌های نویسنده‌اش از زندگی‌ای خاص، یکه و تکرارناشدنی است. هرچند جستار بیشتر به رویدادهای واقعی نزدیک است تا به حکایت، اما آن رویدادها از صافی ذهن راوی گذشته‌اند و مهر ذهنیت راوی به آنها خورده است. صفت بارز جستار روایی این است: متنی روایتگر که داستانی نیست.» در نهایت به اعتقاد احمدی «جستار خواننده را دوست، نزدیک و محرم راز می‌شناسد، لحنی صادقانه، صمیمانه، اعتراف‌گونه و خودمانی دارد. بنیاد جستار رفاقت است و نه آموزش.»

کلی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و نتایج به قدرت رسیدن بلشویک‌ها ارائه می‌دهد و مقاله «سرنوشت نیکلای بوخارین» درباره زندگی و آثار یکی از نظریه‌پردازان و رهبران سرشناس آن انقلاب است که بعدها مشمول تصفیه استالینی قرا گرفت. مقاله «مارکوزه جوان» درباره اولین آثار هربرت مارکوزه است که به‌تازگی پس از سال‌ها سکوت، ارج و اهمیت‌شان مشخص شده است. مقاله «ارنست بلوخ و رویای دنیای بهتر» درباره زندگی و مهم‌ترین آثار بلوخ است. احمدی این مقاله را به خاطر دکتر شرف‌الدین خراسانی تقدیم کرده است که در درس‌های او برای اولین بار نام بلوخ را شنیده بود. مقاله «هانا آرنت و فلسفه» انتقادی است به نظر آرنت در باب جدایی نظریه سیاسی از فلسفه، و فهم او از این جدایی در مبانی کار فکری خودش. در بخش دوم دو مقاله آمده، اولی در بیان تفاوت مقاله با جستار و دومی درباره نسبت هنرهای دیداری با نوشتار و متن‌های ادبی. بخش سوم هم شامل دو مقاله و شش جستار با موضوع هنرهای دیداری و ادبی است. «سلامبو» و «سه داستان» دو مقاله این بخش هستند و عنوان جستارها هم عبارتند از: «برگشت ناپذیر»، «آرامشی که مردگان دارند»، «امید»، «کافکا و غیاب»، «محصل و شقاوت» و «زبان باشو»



نوشته‌های دیگر

- نویسنده: بابک احمدی
- انتشارات: نشر مرکز
- تعداد صفحه: ۳۲۰ صفحه
- قیمت: ۳۳۰ هزار تومان



با اسکن این رمزینده می‌توانید پادکست «ایران کتاب» را اینجا بشنوید.

بابک احمدی، از جمله پیشگامان نقد مدرنیته در ایران است. او در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با انتشار کتاب‌های مهمی چون «ساختار و تأویل متن»، «معمای مدرنیته»، «حقیقت و زیبایی»، «کتاب تردید» و... جوانان علاقه‌مند به فلسفه را با اندیشه‌های مدرن و پسامدرن آشنا کرد. نشر مرکز به‌تازگی مجموعه‌ای از مقالات احمدی را با عنوان «نوشته‌های دیگر» منتشر کرده است. مقالات این کتاب موضوعات متفاوت و متنوعی دارند: از فلسفه، تاریخ، هنر تا ادبیات، نظریه‌های سیاسی و شیوه‌های گفتن و نوشتن. آثار اولین احمدی، به نقد سینمایی و سینماگرانی چون روبن برسون و آندری تارکوفسکی اختصاص داشت که از اواخر دهه ۶۰ در مجلاتی چون «فیلم» منتشر می‌شدند. این مقالات بعدها در کتاب‌های «تصاویر دنیای خیالی»، «امید بازپافته» و «بیاد هر جا بخواهد می‌وزد» توسط نشر مرکز منتشر شدند. با عبور از دهه ۶۰ آثار و کارهای احمدی رویکرد نظری‌تری به خود گرفت و کتاب‌ها، کلاس‌ها و سخنرانی‌هایش در دهه ۷۰ و ۸۰ در اوج محبوبیت بودند. آثار او در این دوره یک کارکرد مهم برای نسلی داشت که نه ارتباطی با اطراف و اکناف و کانون‌های فعال تولید نظریه‌های جدید علوم انسانی داشت و نه چندان در حوزه نظری روزآمد بود. این نسل در لابه‌لای نوشته‌ها و درس‌گفتارهای احمدی مجذوب اندیشمندان و نظریه‌هایی می‌شد که درباره آنها کمتر چیزی شنیده بود: تودوروف، بارت، دریدا، دلیتای، یاکوبسن، سوسور، لیوتار، دولوز، پساساختارگرایی، هرمنوتیک، بانای، گادامر، نشانه‌شناسی، امپرتواکو و... اما در دهه ۹۰ آن تب و تاب و آن شور و اشتیاق کمتر شد چرا که به مدد گسترش ارتباطات مجازی و تعدد مجاری شناخت و ارتباط با جهان بیرون، فضا و نسل متفاوتی در حال رشد بود. با تغییر فضا، فعالیت‌های احمدی هم کمتر شد و البته هم‌چنان به نوشتن و کار فکری خود ادامه می‌دهد.

بخش اول «نوشته‌های دیگر» از شش مقاله شکل گرفته است: «کارل مارکس و دانشمندان معاصر» درباره رابطه فکری مارکس با دستاوردهای علمی چارلز داروین، و انتقادهای او به نظریه‌های جان استوارت میل و آگوست کنت در مورد زندگی سیاسی و اجتماعی. مقاله «تجربه انقلاب روسیه» تصویری



MAPNA: A PIONEER IN THE ENERGY INDUSTRY

- COMBINED CYCLE POWER PLANTS
- ENERGY EFFICIENCY OPTIMIZATION
- RENEWABLE ENERGIES
- UPSTREAM AND DOWNSTREAM OIL & GAS INDUSTRIES

NO. 231, MIRDAMAD BLVD, TEHRAN 1918953651, IRAN, P.Q.BOX: 19395/6448

PHONE: +98 21 24711001-2 | FAX: +98 21 22908597-8

INFO@MAPNAGROUP.COM | WWW.MAPNAGROUP.COM



● در یک تقسیم‌بندی کلی شاید بتوان کتاب‌های شما را به دو دسته توصیفی / روایی و تحلیلی / تبیینی تقسیم‌بندی کرد. در دسته اول بیشتر دغدغه روایت و قصه دارید و در دسته دوم به دنبال تحلیل و تبیین موضوعی هستید. کتاب‌های داستان‌تان مثل «بهشت خاکستری»، «برف» و «سهراب‌کشان» در دسته اول هستند و کتاب‌هایی چون «نقد آیات توطئه شیطانی»، «انقلاب عاشورا»، «پیام آور عاشورا» و «نقد تحریف مدرن امام خمینی» جزو دسته دوم است. اما قسم دیگری هم کتاب دارید که وضعیتی بینابینی و مرزی دارند و به «ناداستان» و «جُستار» نزدیک هستند که «حاج آخوند» و «شیخ بی‌خانقاه» از این‌سخت هستند. «داستان انسان» هم آیا از این نوع است؟

به نظرم کتاب «داستان انسان» را می‌توان در همان دسته‌بندی تحلیلی / تبیینی تقسیم‌بندی کرد. در «داستان انسان» هیچ عنصری از خیال راه نیافته است. البته زندگی سیدمحمود دعایی به گونه‌ای است که گاه خیال‌انگیز به نظر می‌رسد. اما من راوی صادق زندگی او بوده‌ام. در حالی که در کتاب «حاج آخوند» چنان‌که در مقدمه کتاب آورده‌ام بر بنیاد خاطره خیال یا به اصطلاح این سوی آب «فکت-فیکشن» نوشته شده است. می‌توان گفت به دلیل اینکه کتاب «داستان انسان» موضوع یک شخصیت خیال‌انگیز است. ممکن است تصور شود که از همان‌سخت یا جنس کتاب «حاج آخوند» است. شاید هم گونه‌سومی است. آن هم نه به دلیل پرهیز راوی از خیال‌پردازی، بلکه به دلیل خیال‌انگیزی زندگی سوژه کتاب. این نکته را گارسیا مارکز در مصاحبه با دوست تمام عمرش پلینیو مندوزا مطرح کرده است. گفته است: «من وقایعی را روایت کرده‌ام که بسیاری خیال‌انگیز تصور می‌کنند اما در دنیای واقعیت در زندگی خود شاهد برخی از آنها بوده‌ام. مانند سیلابی که با خود جسد زرافه می‌آورد!» واقعیت این است که زندگی سیدمحمود دعایی در مواردی به خیال پهلومی‌زند.

● هر وقت نام شما و آقای دعایی کنار هم قرار می‌گیرد، اولین چیزی که به ذهن می‌آید دفاع جانانه و سلحشورانه آقای دعایی از شما در روز رأی اعتماد به کابینه اول آقای خاتمی در مجلس پنجم است. دفاعی که در کنار نطق تاریخی خودتان ورق را برگرداند. اگر ممکن است خیلی فشرده بفرمایید چه نوع تعامل و رفاقتی بین شما بود که ایشان آن چنان دفاعی از شما کرد؟

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در کتاب بسیار جذاب «روزها» از برخی از دوستانش که یاد می‌کنند، می‌گوید: «گل‌مان با هم گرفت!» یعنی سرشت ما با یکدیگر سازگار و به‌سامان بوده است. من از همان روزهای اولی که سیدمحمود دعایی بعد از فاجعه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر سال شصت به عنوان نماینده تهران به مجلس آمد، با ایشان از طریق جناب آقای سیدمحمد خاتمی آشنا شدم. همکاری‌ام با روزنامه اطلاعات آغاز شد. ستون «نقد حال» شکل گرفت. کتاب‌هایم توسط انتشارات اطلاعات منتشر می‌شد و می‌شود. با سیدمحمود دعایی روابطمان بسیار نزدیک و گرم بود. سفرهای داخل و خارج با هم رفتیم. مثل سفر بین‌المجالس کوبا. سیدمحمود دعایی آیت محبت و صفا و وفا بود. جامه جان او به تعبیر فرخی سیستانی همان خُله‌ای بود که «تنیده ز دل یافته ز جان!» به نظرم سیدمحمود دعایی از زمره انسان‌های تکرار نشدنی است. دیگر ظرفیت زمانه و مقتضیات روزگار چنان انسان‌هایی نمی‌پرورد!

در جلسه رأی اعتماد ایشان به صراحت گفت در مورد مطالبی که علیه من گفته شده بود، احساس مظلومیت

انسان‌هایی الهام‌بخش برای تمام زندگی

گفت‌وگو با سیدعطاءالله مهاجرانی
درباره کتاب داستان انسان و کتاب‌های دیگرش

بیژن مومیوند | دبیر «ایران کتاب»

سیدعطاءالله مهاجرانی چهره‌ای چندوجهی با کارنامه‌ای متنوع است که بیش از هر چیز دوره چهل ماهه وزارتش در دولت هفتم مورد توجه است و نطق تاریخی او در روز اخذ رأی اعتماد و نطق دفاعش در روز استیضاح که توانست نمایندگان را قانع به ماندن در وزارت کند، هنوز در یادهاست. با این همه اما مهاجرانی نویسنده‌ای مهم است که کتاب‌های شاخصی در کارنامه خود دارد از «نقد توطئه آیات شیطانی» تا رمان‌هایی چون «بهشت خاکستری»، «برف»، «سهراب‌کشان» و ترجمه رمان «موسم هجرت به شمال» طیب صالح. بخش دیگری از کارنامه نوشتاری مهاجرانی به کتاب‌هایی برمی‌گردد که درباره دو چهره تأثیرگذار زندگی‌اش یعنی شیخ محمودرضا صالحانی (حاج آخوند) و سیدمحمود دعایی نوشته است. در این گفت‌وگو به بهانه انتشار «داستان انسان؛ سبک زندگی و سلوک سیدمحمود دعایی» که انتشارات اطلاعات آن را منتشر کرده، بیشتر بر این بخش از کارنامه نویسنده‌ای او تمرکز داشته‌ایم و البته از موضوعات دیگری هم سخن به میان آمده است. سپاسگزار ایشان هستیم که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به صورت مکتوب پاسخ سؤالات را فرستادند.



سیدعطاءالله مهاجرانی مقابل مقبره جبران خلیل جبران در طرابلس



از جمله افراطی‌های ضدوزارت فرهنگ و ارشاد و ضدفرهنگ تسامح و تساهل بودند که به کلی ادا و اطور جدید پیدا کرده و از آن سوی بام ته دزه افتاده‌اند!

● این روزها، روزهای نمایشگاه کتاب است و شما به عنوان وزیر، چند سال متولی این نمایشگاه بودید. در سال‌هایی که دور بودید در موسم نمایشگاه چه احساسی داشتید؟ در گفت‌وگویی گفته بودید: «در کتاب حاج آخوند و شیخ بی‌خانقاه و حضور حافظ، سید مصمصا رند عالم‌سوز، من همه این کتاب‌ها را در حقیقت در فضا وطن نوشته‌ام و می‌نویسم! روحم در ایران، و اقامتم در لندن بوده است.» هنوز زمان بازگشت نرسیده است؟

بدیهی است که برگزاری نمایشگاه کتاب و فضا و فرصتی که می‌آفریند، بویژه حضور جوانان سرشار از شوق آموختن، اردیبهشت را بهشت حقیقی می‌کند. فضای سرشار از شوق و شور بسیار خواستنی و جذاب است. من در دوران مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد تقریباً در ایام نمایشگاه هر روزه به نمایشگاه سر می‌زدم و به نشست‌های نویسندگان و ناشران می‌رفتم. بدیهی است که دلتنگ

چنان فضا و فرصتی بوده باشم. در مهاجرت به این نکته پی می‌برید یا متظن می‌شوید که وطن در جغرافیا و سرزمین و خاک منحصر نمی‌شود. زبان و فرهنگ و تاریخ و تمدن مهم‌ترین وجه و یا روح وطن است. همان که شیخ بهایی که از وطن مآلوفش در شامات به اصفهان هجرت کرده بود؛ سرود:

این وطن مصر و عراق و شام نیست
این وطن جایی است کور نام نیست
یاد و خاطره روح وطن است. جلال الدین بلخی سروده است:

آب را آبی است کومی‌راندش
روح را روحی است کومی‌خواندش
شما به عنوان نویسنده در وطنی زندگی می‌کنید که در حقیقت همان روح وطن است.

همه این کتاب‌ها هم که اشاره کردید، من در حال و هوای وطن نوشته‌ام. زندگی ما در لندن - که به عنوان نویسنده می‌توانم بگویم یکی از بهترین شهرهای جهان است - شکل گرفته و استقرار یافته است. البته من بسیار علاقه دارم برای شناخت جزئیات و موقعیت برخی مکان‌ها برای زمانی که سال‌هاست در دست دارم، رمان «روزگار بی‌قراری» به ایران سفر کنم. اما وقتی در سال ۱۳۸۸ دولت مهرورزی مرا از خانه‌ام، از دانشگاه تربیت مدرس اخراج کردند. دیگر انگیزه‌ای برای سفر به ایران نداشته و ندارم! گرچه تمامی روح و روانم دلبسته ایران است؛ ایران جغرافیا، ایران فرهنگ، ایران تمدن، ایران مردم!

وقتی شما را از خانه‌تان بیرون می‌کنند، برگردید توی خیابان بمانید! و الحمدلله فنی جمیع الاحوال، من به توصیه حاج آخوند بنایم بر این بوده است که اهل شکایت و ملامت و ملالت نباشم و نیستم. همین دوری از وطن هم سرشار از خیر و فرصت‌های استثنایی برای آموختن و نوشتن و شناختن اهل فرهنگ از همه جای جهان بوده و هست. فرصتی که به احتمال بسیار در تهران فراهم نمی‌شد.



لبنان، گفتید دیگر طاقت دور بودن نداشتید و راهی بیروت شدید. و یادداشت‌های «بیروت، جهانی دیگر» در روزنامه اعتماد انعکاسی از این حضور بود. آیا قصد بسط این یادداشت‌ها و انتشارشان در قالب کتاب دارید؟

با فلسطین سابقه طولانی داشته و دارم. من از یادش نمی‌گاهم! کتاب «فلسطینی‌ها» را چهل سال پیش در سفری که به الجزایر داشتم نوشتم. کتاب، خاطرات سفرم به الجزایر و شرکت در کنفرانس دوره شانزدهم مجلس ملی فلسطین بود. تمام شخصیت‌های درجه اول و رهبران گروه‌های فلسطینی از یاسر عرفات تا ابوجهاد و ابو ایاد و جرج حبش و نایف حواتمه و خالد فاهوم و نیز معین بسیسو و محمود درویش شاعر بزرگ فلسطینی و یکی از بزرگ‌ترین شاعران جهان در کنفرانس حضور داشتند. من یادداشت‌های سفرم را با عنوان «فلسطینی‌ها» در روزنامه اطلاعات منتشر کردم. بعداً به صورت کتاب توسط انتشارات اطلاعات منتشر شد. امسال به دلیل قضایای فلسطین و لبنان کتاب توسط انتشارات اطلاعات

تجدید چاپ شد. اما در مورد جنگ لبنان، یک هفته پس از شهادت سید حسن نصرالله به لبنان رفتم. همین احساس را داشتم که نمی‌توان از دور دستی بر آتش داشت و از فاصله درباره قضایای فلسطین و لبنان نوشت. بایست صدای بمب را شنید. بوی باروت را استشمام کرد. با مردم از نزدیک و چشم در چشم صحبت کرد. دو سفر در سال گذشته به لبنان داشتم. یادداشت‌های سفرم با عنوان «بیروت، جهانی دیگر» در روزنامه اعتماد منتشر شده و می‌شود. دستاورد سفرم همین یادداشت‌هاست. امیدوارم تا پایان سال به عنوان کتاب به دست خوانندگان برسد.

● در روزهای اقامت‌تان در بیروت، از ایرانی‌ها، بیشتر با افرادی حشر و نشر داشتید که در واقع می‌توان گفت ادامه نسلی هستند که زمان وزارت شما از یمین و یسار تحت فشارتان گذاشتند. می‌خواهم از تجربه مواجهه و تعامل‌تان با این افراد بگویم و اگر تجربه‌ای از زمان وزارت داشتید رفتارشان چقدر متفاوت می‌شد؟

از دستاوردهای سفرم آشنایی بیشتر و بهتر با همین جوانان عزیزی بود که تقریباً همگی به سن و سال فرزندان من بودند. نسل دهه شصتی‌ها! سیاست‌مانند امواج دریا فراز و فرود دارد. من در دوران وزارت با پدران این نسل مواجه بودم! گذار سال‌ها بر تجربه و تحمل و مدارای همه ما افزوده است. البته کسانی هم

کرده بود. با تمام توان به صحنه آمد. بدون شک اگر دفاع جانانه سید محمود دعایی نبود. با توجه به رأی بسیار شکننده و بلکه ناپلئونی من در رأی اعتماد احتمال اینکه رأی نمی‌آوردم بیشتر بود.

● بین شخصیت حاج آخوند و آقای دعایی و نحوه ارتباط شما با آنها آیا شباهت‌هایی وجود داشت که درباره‌شان دست به قلم شدید و کتاب نوشتید؟

می‌توان گفت هر دو در باور، اسلام را دین محبت و مدارا و تعامل با دیگری می‌دانستند. به اصطلاح دین رحمانی. این باور در زندگی هر دوی آنان جاری بود. هر دو شخصیت‌هایی بودند که انسان برای دیدن‌شان و مصاحبت‌شان دل‌تنگ می‌شد و می‌شود! وارد مجلسی که می‌شدند، فضا باز می‌شد، پنجره‌ها گشوده می‌شد، دیوارها به کناری می‌رفت، لبخند بر لب‌ها می‌نشست. شمس در «مقالات» زندگی را با تعریف بسیار جذابی تقسیم‌بندی کرده است. «شأن من تعیش بنفسه و من تعیش بره» کسانی که برای خود و خواهش‌های خویش زندگی می‌کنند با کسانی که زندگی آنان رنگ و بو و رونق خدایی دارد؛ با هم متفاوتند. حاج آخوند و سید محمود دعایی از این حیث همانند بودند. به همین خاطر انگیزه نوشتن کتاب «حاج آخوند» که چاپ ۲۱ آن همین هفته توسط انتشارات امید ایرانیان منتشر شد و نیز کتاب «شیخ بی‌خانقاه» و کتاب «جرعه‌ای از جام عاشورا» در واقع سه گانه‌ای که درباره سبک زندگی و سلوک حاج آخوند نوشتیم و کتاب «داستان انسان» در من شکل گرفت. در واقع حاج آخوند و سید محمود دعایی انسان‌هایی الهام‌بخش برای تمام زندگی هستند.

● طریف خالدی در پیش‌گفتار «زیستن با کتاب»

می‌نویسد: «در طول عمر خود، مدت زمانی را که با کتاب سر کرده‌ام خیلی بیش از زمانی بوده که با مردم گذرانده‌ام؛ دلیلش شاید این باشد که در کتاب به آرامشی رسیده‌ام که با بیشتر مردم به آن دست نیافته‌ام. بنابراین، اکنون دوستانی اندک اما کتاب‌های بسیار دارم که به آنها عشق می‌ورزم. سال‌های عمر من سپری شد و جهان حقیقی من جهان خواندن بود و نوشتن.» تعامل شما با کتاب‌ها و آدم‌ها چگونه بوده و آیا در مجموع سهم متوازی داشتند یا یکی بر دیگری غلبه داشته؟

به نظرم هر انسانی یک جهان - کتاب است! کافکا به گوستاو یانوش گفته است: «درباره یک روز زندگی می‌توان کتاب‌های زیادی نوشت اما از کتاب‌ها زندگی نمی‌جوشد.» من هم اهل کتابم و هم اهل زندگی و معاشرت با مردم. مردمانی از ملیت‌ها و زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف. همان که مولوی در نی‌نامه سرود:

من به هر جمعیتی نالان شدم
جفت بد حالان و خوش حالان شدم
البته همیشه تعداد کتاب‌هایم از تعداد دوستانم بیشتر بوده و هست.

● شما سال گذشته و بعد از تشدید حملات رژیم صهیونیستی به غزه و



زندگی سید محمود دعایی به گونه‌ای است که گاه خیال انگیز به نظر می‌رسد اما من راوی صادق زندگی او بوده‌ام. در حالی که در کتاب «حاج آخوند»، چنان که در مقدمه آن آورده‌ام بر بنیاد خاطره خیال شده است. به دلیل اینکه کتاب «داستان انسان» موضوع یک شخصیت خیال انگیز است. ممکن است تصور شود که از همان سنخ یا جنس کتاب «حاج آخوند» است



حق دفاع برای قربانیان

انزو تراورسو روشنفکر ایتالیایی در غزه در پیشگاه تاریخ تبارشناسی نسل کشی فلسطینی‌ها را روایت و تحلیل می‌کند



غزه در پیشگاه تاریخ

- نویسنده: انزو تراورسو
- مترجم: امین بزرگیان
- انتشارات: نشر مردم‌نگار
- تعداد صفحه: ۱۲۸ صفحه
- قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

از اسرائیل و سرکوب هر نوع اعتراض به نقض حقوق بشر و وقوع نسل‌کشی در فلسطین. «اخبار جعلی درباره جنگ» به پروپاگاندای صهیونیست‌ها و حامیان غربی آنان انتقاد می‌کند: «پس از هفت اکتبر، اکثر رسانه‌های غربی، از جمله بسیاری از روزنامه‌های معتبر، داستان‌های جعلی درباره دریدن شکم زنان باردار، بریدن سر ده‌ها کودک و انداختن نوزادان به داخل اجاق توسط مبارزان حماس منتشر کردند. خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی با حالتی جدی و خشمگین اعلام می‌کردند که تصاویر وحشتناکی از این فجایع دارند اما برای جلوگیری از ناراحتی بینندگان آنها را پخش نخواهند کرد. این داستان‌های ساختگی که توسط ارتش اسرائیل منتشر شده بود، بلافاصله به عنوان شواهد پذیرفته شدند - جو بایدن، آنتونی بلینکن و وزرای دولت‌های اروپایی آنها را در سخنرانی‌های خود تکرار کردند - و تنها چند هفته بعد، با اکراه و به آرامی تکذیب شدند.»

امیر ایران‌منش | پژوهشگر اجتماعی

«غزه در پیشگاه تاریخ» (Gaza devant l'histoire) اثر انزو تراورسو (Enzo Traverso)، روشنفکر ایتالیایی و متخصص برجسته تاریخ اندیشه است. این کتاب که در سالگرد آغاز جنگ غزه، در اکتبر ۲۰۲۴ به ۳ زبان فرانسوی، انگلیسی و آلمانی چاپ شد، با برگردان امین بزرگیان از فرانسوی، توسط نشر مردم‌نگار منتشر شده است. نشر مردم‌نگار در مجموعه‌ای با عنوان «بایگانی بازگشوده» چند عنوان دیگر را هم درباره مسائل فلسطین منتشر کرده یا در دست انتشار دارد: «نگرش تاریخی به چپ فلسطین و اسرائیل» (استعمار رهایی ملی و مبارزه طبقاتی) از لئون ویستری خفسکی و برگردان مرجانه فشاهی از آلمانی، «جنگ بی‌پایان؟» (چرا صلح در خاورمیانه مستلزم تغییر موضع غرب در قبال اسرائیل است) از میشائیل لودرز و برگردان مرجانه فشاهی از آلمانی، «خیزش ۱۹۳۶-۱۹۳۹ فلسطین» (از مجموعه آثار سیاسی کنفانی) به ضمیمه مقالاتی از لوئیس برهونی و شارلوت کیتس و برگردان احسان پورخیری از انگلیسی، «بلیا خالد: نماد آزادسازی فلسطین» (زندگی‌نامه) از سارا ایروینگ و برگردان سپیده جدیری، «پس از نابودی غزه، یهودی بودن چه معنایی دارد؟» از پیتربینارت و برگردان محمد نصیری.

کتاب «غزه در پیشگاه تاریخ» هشت فصل دارد که مترجم مقدمه و مؤخره‌ای با عناوین «پیشگفتار مترجم: نشانه‌شناسی هفت اکتبر» و «پس‌گفتار مترجم: نقل قول تراورست» به آن افزوده است. فصل اول با عنوان «مرتکبان و قربانیان» به تاریخ نسل‌کشی‌ها می‌پردازد و تفاوت ویژه نسل‌کشی غزه را برمی‌شمارد: «تاریخ جنگ در غزه در دهه‌های آینده نگاشته خواهد شد: اما امروز باید آن را متوقف کرد. این همان کارویژه «هشدار» راجع به نسل‌کشی جاری است. مفسرانی که این هشدار را به عنوان تلاشی ضدیهودی برای کوچک شمردن هولوکاست یا به چالش کشیدن یگانگی آن تعبیر می‌کنند، نشان می‌دهند که چگونه حافظه‌ای انحصاری، خودارجاع و رازآمیز می‌تواند به شدت کور، بی‌احساس و ویرانگر شود.»

فصل «شرق‌شناسی» به استاندارد دوگانه رسانه‌ها و تریبون‌های دانشگاهی درباره دو سوی جنگ و ارائه تصویری کاملاً غیرواقعی می‌پردازد: «تصویری که اغلب از اسرائیل ارائه می‌شود، آن را جزیره‌ای دموکراتیک در میان اقیانوسی از تاریک‌اندیشی نشان می‌دهد، درحالی که حماس به عنوان گروهی وحشی و خونخوار تصویر می‌شود. این روایت انسان را به یاد قرن نوزدهم می‌اندازد: دورانی که غرب با ادعای رسالت تمدن‌سازی دست به نسل‌کشی می‌زد. در دنیای جهانی شده امروز، شرق‌شناسی نه تنها نمرده، بلکه در ذهنیت جهانی ریشه دوانده است. اصول بنیادیش همچنان ثابت مانده‌اند و بر پایه نوعی دوگانگی هستی‌شناختی خیالی میان تمدن و وحش، پیشرفت و عقب‌ماندگی، روشنایی و تاریکی استوارند.» فصل «مصلحت‌دولت» به مفهومی در سیاست خارجی آلمان مرکب و جانشینانش اشاره دارد که امنیت اسرائیل را همانند امنیت آلمان و جزو منافع ملی آلمانی‌ها تصور می‌کند و توجیهی است برای دفاع تمام‌عیار

فصل «ضدصهیونیسم و یهودستیزی» به تلاش صهیونیست‌ها برای ایجاد این همانی میان یهودستیزی و انتقاد از صهیونیسم می‌پردازد که بدل به ابزاری برای سرکوب آزادی‌های مدنی شده است: «کمپینی رسانه‌ای در حال حاضر با اصرار سعی دارد دانشجویان حامی فلسطین را به عنوان جمعی یهودستیز به تصویر کشد. در برخی دانشگاه‌های آمریکا دانشجویان در لیست سیاه قرار گرفته یا به دلیل شرکت در تظاهرات علیه نسل‌کشی در غزه با تهدید به محرومیت یا مجازات مواجه می‌شوند.»

تراورسو در فصل «خشونت، تروریسم و مقاومت» با اشاره به تاریخ مبارزات مسلحانه علیه فاشیسم و نازیسم در ایتالیا و فرانسه می‌پرسد که اگر مقاومت آنان مشروع بود، چرا مقاومت مسلحانه فلسطینی‌ها علیه اشغالگری و نسل‌کشی اسرائیل مشروع نباشد. این بحث در فصل «خاطرات متقاطع» ادامه می‌یابد تا شباهت اشکال مختلف نژادپرستی استعماری و فاشیستی با صهیونیسم را تشریح کند: «اسرائیل که اکنون در جهان غرب ادغام شده است، کلمات و پیش‌دوری‌های نژادپرستانه قدیمی غرب را گرفته و آنها را بر فلسطینی‌ها اعمال می‌کند.» فصل پایانی با عنوان «از رودخانه تا دریا» با اعتراف به شکست تلاش‌های پیشین برای صلح آغاز می‌شود: «از هفت اکتبر و حمله به غزه، به طور قطعی شکست کامل توافقات اسلورفم خورده است. این توافقات به جای آنکه پایه‌های صلحی پایدار برای همزیستی دو دولت مستقل را بنا کنند، از همان ابتدا توسط اسرائیل تخریب شدند. اسرائیل این توافقات را به بستر برای شهرک‌سازی در کرانه باختری، الحاق بیت‌المقدس شرقی و منزوی‌سازی تشکیلات خودگردان فلسطین تبدیل کرد؛ نهادی که امروز به موجودیتی فاسد و بی‌اعتبار تقلیل یافته است.» پایان بخش این فصل اشاره‌ای به اظهارات کارگردانان فلسطینی و اسرائیلی فیلم «سرزمین دیگری نیست» در جشنواره فیلم برلین است: فیلمی که چندی پس از انتشار این کتاب، اسکار را هم دریافت کرد. در نهایت او نتیجه می‌گیرد: «آنچه امروز در خطر است، نه موجودیت اسرائیل، بلکه بقای مردم فلسطین است. اگر جنگ غزه به نکتب دوم ختم شود، مشروعیت اسرائیل به طور قطعی از بین خواهد رفت. در این صورت، نه سلاح‌های آمریکایی، نه رسانه‌های غربی، نه سیاست دولتی آلمان و نه حافظه تحریف‌شده و مورد اهانت قرارگرفته هولوکاست، نمی‌توانند این مشروعیت را بازگردانند.»





ظهور اربابان ابری

نگاهی به کتاب سرمایه‌داری مُرد، قاتل: فئودالیسم فناوریانه



سمیرا دردشتی | روزنامه‌نگار

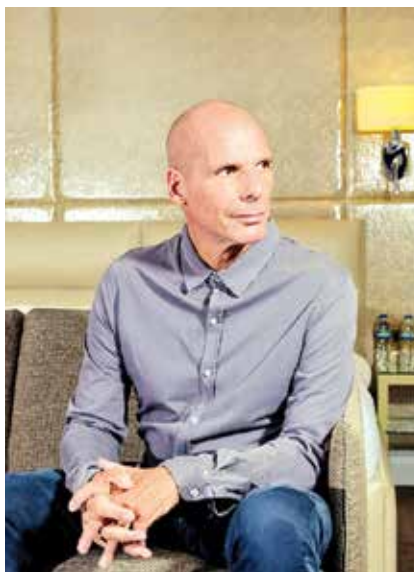
«وارد آمازون که می‌شوید، از سرمایه‌داری خارج شده‌اید. علی‌رغم تمام خرید و فروش‌هایی که در آنجا اتفاق می‌افتد، شما وارد قلمرویی شده‌اید که نمی‌توان آن را حتی یک بازار دیجیتال هم دانست.» این جمله پرتکرار یانیس واروفاکیس، نویسنده کتاب «سرمایه‌داری مُرد، قاتل: فئودالیسم فناوریانه» است؛ کتابی که در ایران نیز توسط زهرا عبدالمحمدی ترجمه شده و انتشارات روزنه آن را منتشر کرده است.

رانت‌های ابری

یانیس واروفاکیس اقتصاددان و وزیر پیشین دارایی یونان، در کتاب «سرمایه‌داری مُرد» تحلیلی جسورانه از تحولات اقتصادی و اجتماعی معاصر ارائه می‌دهد. واروفاکیس در این اثر، به بهره‌گیری از تجربیات شخصی و تحلیل‌های اقتصادی، به بررسی ظهور نظامی جدید می‌پردازد که آن را «فئودالیسم فناوریانه» می‌نامد. در مقدمه کتاب، واروفاکیس با اشاره به خاطرات دوران کودکی و تأثیر پدرش بر شکل‌گیری دیدگاه‌های اقتصادی‌اش، زمینه‌ای انسانی و شخصی برای تحلیل‌های خود فراهم می‌کند. او در این بخش، به سؤالات بنیادینی مانند «چرا در جهان نابرابری‌های گسترده‌ای وجود دارد؟» می‌پردازد و تلاش می‌کند تا پاسخی برای این پرسش‌ها ارائه دهد. نویسنده معتقد است این بحران‌ها همراه با خصوصی‌سازی اینترنت و گسترش پلتفرم‌های دیجیتال منجر به ظهور نظامی جدید شده‌اند که در آن، بازارهای سنتی و سودهای حاصل از تولید جای خود را «رانت‌های ابری» می‌دهند. واروفاکیس در این کتاب، مفهومی را معرفی می‌کند با عنوان «سرمایه‌داری» که به واسطه آن، شرکت‌های بزرگ فناوری مانند آمازون، اپل و گوگل، به عنوان «اربابان» جدید، بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کنترل کامل دارند. او استدلال می‌کند که این شرکت‌ها، با بهره‌گیری از داده‌های کاربران و الگوریتم‌های پیشرفته، نه تنها بر بازارها، بلکه بر رفتارها و تصمیمات فردی نیز تأثیر می‌گذارند.

انزوای الگوریتمی

او در جایی با مثال روشن‌تری ایده خود را این گونه برای مخاطبان کتاب تشریح می‌کند: «این صحنه را تصور کنید، انگار مستقیماً از یک داستان علمی-تخیلی بیرون آمده است: شما به شهری پرجمعیت وارد می‌شوید که مردم در آنجا مشغول خرید و فروش گجت‌ها، لباس‌ها، کفش‌ها، کتاب‌ها، آهنگ‌ها، بازی‌ها و فیلم‌ها هستند. در نگاه اول همه چیز عادی به نظر می‌رسد اما کم‌کم متوجه چیز عجیبی می‌شوید. می‌فهمید که تمام مغازه‌ها (در واقع هر ساختمانی) متعلق به شخصی به نام «جف» است. شاید او صاحب کارخانه‌هایی که کالاهای فروخته شده در مغازه‌هایش را تولید می‌کنند، نباشد اما الگوریتمی دارد که



از هر فروش سهم می‌برد و تصمیم می‌گیرد چه چیزی قابل فروش است و چه چیزی نیست. در واقع، در این شهر عجیب، هر چیزی که می‌بینید (و نمی‌بینید) توسط الگوریتم جف تنظیم می‌شود. من و شما ممکن است کنار هم راه برویم و به یک جهت نگاه کنیم، اما منظره‌ای که الگوریتم به هر کدام از ما نشان می‌دهد کاملاً سفارشی و بر



سرمایه‌داری مُرد، قاتل: فئودالیسم فناوریانه

- نویسنده: یانیس واروفاکیس
- مترجم: زهرا عبدالمحمدی
- انتشارات: روزنه
- تعداد صفحه: ۲۷۶ صفحه
- قیمت: ۳۴۵ هزار تومان

اساس اولویت‌های جف طراحی شده است. هرکسی که در آمازون حرکت می‌کند بجز جف در انزوایی الگوریتمی سیر می‌کند.»

یکی از نکات برجسته کتاب، تحلیل واروفاکیس از نقش کاربران در این نظام جدید است. او معتقد است که کاربران، با استفاده از دستگاه‌های متصل به فضای ابری، به‌طور ناخواسته به «رعایای ابری» تبدیل شده‌اند که با ارائه داده‌ها و تعاملات خود، به افزایش ثروت و قدرت اربابان دیجیتال کمک می‌کنند. در پایان کتاب، واروفاکیس پیشنهادهایی برای مقابله با این نظام جدید ارائه می‌دهد، از جمله ایجاد ساختارهای جدید برای دموکراسی‌های دیجیتال، مبارزه با نابرابری‌های اقتصادی و بازتعریف نقش فناوری در جامعه. او تأکید می‌کند که برای حفظ استقلال و آزادی انسان‌ها در دنیای دیجیتال، باید به دنبال راهکارهایی نوین و مؤثر بود. کتاب «سرمایه‌داری مُرد» اثری است که با تحلیل‌های دقیق و نثر روان، خوانندگان را به تفکر عمیق درباره تحولات اقتصادی و اجتماعی معاصر دعوت می‌کند. واروفاکیس با بهره‌گیری از تجربیات شخصی و دانش اقتصادی خود، تصویری روشن از چالش‌های پیش‌روی جوامع بشری در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد.

دشمن دموکراسی، آزادی و عدالت

واروفاکیس در این کتاب بر پیامدهای سیاسی و اجتماعی فئودالیسم فناوریانه تمرکز می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه سلطه شرکت‌های بزرگ فناوری بر زیرساخت‌های دیجیتال نه‌فقط ساختارهای اقتصادی، بلکه بنیان‌های دموکراسی لیبرال را نیز تهدید می‌کند. او معتقد است که با انتقال قدرت از نهادهای دموکراتیک به پلتفرم‌های خصوصی، مرز میان حوزه عمومی و خصوصی به‌کلی از بین رفته است. این وضعیت موجب شده است که تصمیم‌گیری‌های کلان، مانند تعیین الگوریتم‌هایی که بر دیده‌شدن محتوا، جریان اطلاعات یا حتی انتخاب‌های سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند، از کنترل عمومی خارج شوند.

واروفاکیس هشدار می‌دهد که در این نظام، مفهوم سنتی آزادی فردی یعنی آنچه مبتنی بر استقلال از سلطه و توانایی انتخاب آگاهانه است، به‌شدت تضعیف شده است. کاربران، اگرچه در ظاهر آزاد هستند اما در عمل تحت نظارت مستمر و الگوریتمی قرار دارند. داده‌های آنها بدون رضایت آگاهانه استخراج می‌شود و در چرخه‌ای قرار می‌گیرد که هیچ‌گونه شفافیتی درباره آن وجود ندارد. در چنین ساختاری آزادی به «توهم انتخاب» تقلیل یافته و مشارکت در پلتفرم‌ها به جای اختیار به ضرورتی برای بقا در دنیای دیجیتال بدل شده است. نویسنده پیشنهاد می‌کند برای بازتعریف دموکراسی، آزادی و عدالت در عصر دیجیتال، باید نوعی بازملی‌سازی یا دست‌کم دموکراتیزه‌کردن زیرساخت‌های دیجیتال صورت گیرد. به باور او بدون حاکمیت عمومی بر داده‌ها و الگوریتم‌ها، مفاهیمی چون «آزادی» و «عدالت» صرفاً واژه‌هایی پوچ خواهند بود که در خدمت تثبیت نظم جدید دیجیتال فئودالی قرار گرفته‌اند.

نشانی «انتشارات ایران» در نمایشگاه کتاب: مصلای تهران، شبستان، راهروی ۱۳، غرفه ۷۱۰



جلال خوش چهره / روزنامه نگار حوزه بین الملل

کتاب‌های راهگشا

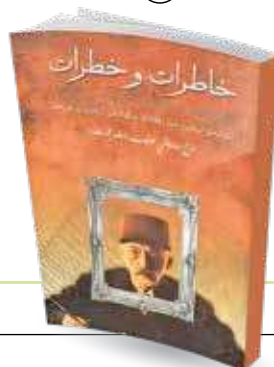
دست کم ظرف یک سال گذشته و با توجه به گرایش‌ها و علائقم، تمرکز روی کتاب‌های حوزه سیاست خارجی و مسائل بین الملل بوده است از این رو، به دوستانی که در این حیطه فعالیت دارند یا کسانی که به این فضا علاقه مند هستند خواندن چندین کتاب با همین رویکرد را پیشنهاد می‌دهم با این توضیح که نه تنها مطالعه این کتاب‌ها بسیار راهگشا است، بلکه درک آنچه امروز در جامعه جهانی بویژه منطقه جغرافیایی مان می‌گذرد، به واسطه آنها راحت‌تر خواهد بود. نخستین این کتاب‌ها «کیسینجر مذاکره‌گر» به نویسندگی جیمز سبیس است که نشر ثالث آن را منتشر کرده است. کتاب دوم «رهبری شش راهبرد جهانی» است که این کتاب نیز به قلم «هنری کیسینجر» و توسط انتشارات همان راهی بازار نشر شده است. در همین رابطه خواندن کتاب بسیار خوب «سیاست چیست» نوشته ژولین فروند از انتشارات آگاه را هم به فعالان و علاقه‌مندان سیاست و دیپلماسی پیشنهاد می‌کنم. بی‌تردید کسانی که در حوزه بین الملل می‌نویسند، می‌خوانند و صاحب نظر هستند، برای آن که از تعاملات جهانی آنچه در جامعه بین الملل و مسیر تصمیم‌گیری دولت‌ها در این جوامع می‌گذرد درک روشنی داشته باشند باید دو کتابی را که در ادامه پیشنهاد می‌دهم با حوصله و رغبت بخوانند: «جبر جغرافیا» از انتشارات همان و «آینده جغرافیا» از کتاب پارسه که هر دو کتاب نوشته «تیم مارشال» نویسنده انگلیسی است. همچنین با توجه به نوع تعاملاتی که در حال حاضر بین قدرت‌های جهانی (آمریکا، اروپا، روسیه و چین) اتفاق افتاده است کتاب ۲ جلدی «تاریخ جنگ سرد» آندره فونتن (فرهنگ نشر نو) اگرچه قدیمی، اما بسیار خواندنی است. با اینکه کتاب «فریاد پاشی؛ چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند» اثر جرد دایموند (نشر نو)، کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» نوشته دیوید فرامکین (نشر ماهی)، کتاب «قدرت نرم چینی» اثر ماریا رپنیکووا (انتشارات خبر امروز) و کتاب «لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت» نوشته مایکل سندل (انتشارات مرکز) از جمله کتاب‌های دیگری هستند که خواندنشان را به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌کنم.



کوروش احمدی / دیپلمات سابق ایران در سازمان ملل

ماشین امضا

کتاب «خاطرات و خطرات» نوشته مهدقلی خان مخبرالسلطنه را اخیراً خواندم. عنوان فرعی کتاب، یعنی «توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از زندگانی من»، تا حدودی روشن می‌کند محتوای کتاب چیست. این کتاب را با توجه به تفصیل آن و ذکر جزئیات باید یکی از منابع مهم تاریخ معاصر به شمار آورد. مخبرالسلطنه یکی از رجال عصر قاجار بود و حدود ۱۵ سال نیز در عصر رضاشاه سمت‌هایی داشت. طی دوره قاجار متصدی مشاغل از والی‌گری تا وزارت بود. اوج کار دیوانی او نخست‌وزیری رضاشاه طی ۶ سال از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ بود. او در خرداد ۱۳۰۶ جانشین مستوفی الممالک شد و از او شنید که «من تا چانه در لجن فرو رفتم تو مواظب باش تا فرق سر در لجن زار فرو نروی». ویژگی دوره تصدی مخبرالسلطنه این بود که دولت به معنی واقعی در مشروطه کاملاً تغییر شکل و ماهیت داد و به ماشین امضایی برای فرامین شاه تبدیل شد. مخبرالسلطنه حق مطلب را خوب ادا کرده، آنجا که در خاطراتش می‌گوید: «در هیأت دولت همین که وزیر مربوطه می‌گفت به عرض رساندم تصویب فرمودند کافی بود. دیگر هیچ یک از وزرا حق ایراد و اشکال و اعتراض نداشتند بحدی که چون و چرا امضای کردند و ماشین امضا بودند.» (ص ۱۹۲) مطلب مهم دیگر قضیه برکناری اوست. می‌گوید: «۱ شهریور ۱۳۱۲ بود. شاه مرا خواست. رفتم. از دور فرمودند خبر خوشی برایت ندارم. عرض کردم خبری که از طرف اعلیحضرت باشد خوش است. اظهار ناراضامندی از دو سه نفر از وزرا کردند و فرمودند همه استعفا بدهید. این تکلیف استعفا خیلی به خوشی بود. عرض کردم اجازه می‌فرمایید صبح استعفا عرض می‌کنیم. فرمودند: همین حالا.» (ص ۴۰۱) اینکه شاه امر به استعفا می‌کرد و عزل نمی‌کرد، ریشه در این رویه داشت که ظاهر مشروطه باید رعایت می‌شد. این دو نقل قولی که آوردم گویای امر دیگری است و آن نثر زیبایی مخبرالسلطنه است که مزید بر دانش گسترده او بوده؛ چراکه از خاطرات او روشن است که فردی ادیب و سخندان بوده و به ادبیات فارسی، عربی و آلمانی تسلط داشته و با انگلیسی و فرانسوی نیز آشنایی داشته است و جالب اینکه اهل موسیقی و دستگاه‌های موسیقی ایرانی نیز بوده است. همچنین خاطرات او که همراه با جزئیات تحسین برانگیزی است حکایت از آن دارد که در اکثر اوقات و تقریباً بطور همزمان تحولات و وقایع را یادداشت می‌کرده و همین یادداشت‌ها مبنای «خاطرات و خطرات» بوده و خاطراتش به اصطلاح ارتجالی نیست؛ به این معنی که سال‌ها بلکه ده‌ها سال بعد از وقایع به روی کاغذ نیامده است.



آبتین گلکار / مترجم و استاد ادبیات روسی

در امتداد داستایفسکی

دو کتاب نسبتاً کم حجم جدید که در یکی دو ماه اخیر خوانده‌ام و بسیار به دلم نشستند، یکی «قلاده سرخ» نوشته ژان کریستوف روفن با ترجمه ابوالفضل الله دادی (نشر مد) بود که داستان بلندی دارد و با محتوای ضد جنگ و بر مبنای حادثه‌ای واقعی، ولی کم نظیر نوشته شده است. داستان این اثر با ایجاد تعلیق پرکشش و شخصیت‌پردازی موفق، به خوبی پوچ بودن منطق جنگ و بی‌رحمی‌های آن را نشان می‌دهد. کتاب دیگری که خواندن آن را پیشنهاد می‌دهم «تنگنا» نام دارد، به قلم لئانید آندره‌یف، نویسنده روس اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که از سوی نشر چشمه و با ترجمه رضا بهرامی به چاپ رسیده است. کتاب از زبان یک آدمکش روایت می‌شود و به داستانی پلیسی می‌ماند که قاتل از همان آغاز مشخص است، ولی این باعث از دست رفتن جذابیت ماجرا نمی‌شود. گذشته از ماجرای قتل، پرداختن به ظرایف روان‌شناختی قهرمان داستان نیز با چنان عمق و جزئیاتی انجام می‌شود که یادآور رمان‌های داستایفسکی است و اصولاً بسیاری از درون‌مایه‌های کتاب‌های حجیم این نویسنده بزرگ متقدم را می‌توان در این اثر کوچک مشاهده کرد و آن را عصاره مضامین مهم آثار داستایفسکی نامید. ترجمه کتاب نیز بسیار خوب است و از نمونه‌های موفق ترجمه از زبان واسط به شمار می‌آید با اینکه به خوبی سبک اکسپرسیونیستی آندره‌یف و رنگ و لعاب و فضاهای تیره و اغراق‌شده و بدبینانه اثر را در زبان فارسی به جلوه درآورده است.





کتاب و دیپلمات

همه شما دعوت هستید



وزارت امور خارجه



گفت و گوی اختصاصی با حضور دکتر مجید تخت روانچی

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت

ساعت ۱۸-۱۹

نمایشگاه بین‌المللی کتاب

مصلی تهران - شبستان - راهرو ۱۱/۲

غرفه ۳

حوزه تکنولوژی و مرکز دیپلماسی عمومی

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

پرداخت ۳ ساعته
بعد از تکمیل پرونده

۱۴ درصد

میلیون تومان



تسهیلات غیر حضوری **اعتبار ملی**
بدون چک، سفته و گواهی کسر از حقوق

bankmelli۱۳۰۷ www.bmi.ir ۰۲۱-۶۴۱۴۰



بانک ملی ایران